

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، پیاپی ۳۹، صص ۱۲۷-۱۵۷

بررسی طرح‌واره‌های تصویری «عذاب» در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی

مهدی عابدی جزینی^۱

نفیسه ربّانی^۲

زهره ربّانی^۳

DOI: 10.22051/tqh.2018.20417.2022

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷

چکیده

زبان‌شناسی شناختی، شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که زبان را ابزار برای نظم، سامان بخشی، پردازش و انتقال اطلاعات قلمداد می‌کند و به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و تجارب اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازد. «طرح‌واره‌های تصویری» که حاصل حرکات جسم انسان، تعاملات ادراکی و نحوه برخورد با ادراک است، یکی از شیوه‌هایی است که «معناشناسی شناختی» برای درک مفاهیم انتزاعی از آن بهره‌جسته است. از آنجایی که قرآن کریم کتابی است مبارک و برکتی است به وسعت همه روزگاران که علاوه بر عصر خود، کتاب هدایت و تربیت همه انسان‌ها در تمام دوران‌هاست؛ شایسته است برای هدایت، کشف حقایق

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

Mehdiabedi1359@yahoo.com

n.rabbani91@gmail.com

z.rabbani90@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد الهیات دانشگاه اصفهان، ایران.

آن و پی بردن به مفهوم و اراده متکلم در هر زمان، متن قرآن کریم محور اصلی قرار گیرد و ترکیب‌های آن به صورت دقیق، واکاوی و بررسی شود. لذا پژوهش حاضر سعی دارد با رویکرد زبان‌شناختی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، انواع طرح‌واره‌های تصویری واژه انتزاعی «عذاب» را کشف و ترسیم نماید و بدین وسیله این مفهوم را که یکی از مهم‌ترین مفاهیم مربوط به حادثه عظیم روز قیامت است و پی بردن به آن باعث می‌شود انسان در مسیر اصلی خلقت قرار گیرد، بررسی نماید و پرده از زیبایی‌های نهفته در جملات و عبارات مفهومی حوادث روز قیامت بردارد و نشان دهد تا چه اندازه این طرح‌واره‌ها در بیان و توضیح مفهوم عذاب در قرآن نقش دارند؟ دستاورد پژوهش، حاکی از آن است که خداوند با بهره‌گیری از طرح‌واره‌های متعددی از جمله طرح‌واره حجمی، دوری و نزدیکی، خطی (زمان متحرک و ناظر متحرک)، نیرو (ممانعت و اجبار) و عقب و جلو، مفهوم انتزاعی «عذاب» را با استفاده از تعامل فیزیکی با پدیده‌های بیرونی، گستره معنایی می‌بخشد و از این طریق، مخاطب می‌تواند این مفهوم پیچیده را با استفاده از پیوند هم‌نشینی واژگان در بافت زبانی-گفتاری به صورت روشن‌تری دریابد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، زبان‌شناسی شناختی، طرح‌واره‌های تصویری، مفاهیم انتزاعی، عذاب.

مقدمه

قرآن کریم، تنها معجزه‌ی جاودان اسلام و یگانه سند دست‌نخورده حَقانیت این آیین حنیف ابراهیمی و اثبات پیامبری برای آورنده آن می‌باشد. از آنجایی که تأثیرگذاری و مقبولیت عمومی معجزه در هر عصری، متناسب بودن آن کار خارق‌العاده با حرفه افراد همان عصر می‌باشد؛ بدین جهت، در عصر حضرت موسی (ع) که قوم او در جادوگری سرآمد بودند، معجزه او از جنس سحر و افسونگری بود.

همچنین در عصر حضرت عیسی (ع) که علم طب، پیشرفت قابل توجهی داشت، معجزه او شفای بیماران و احیای مردگان بود. در زمان بعثت پیامبر اکرم (ص) نیز چون فرهنگ شعر، شاعری و سخنوری در اوج قرار داشت، معجزه پیامبر اکرم (ص) سخنی سرشار از معارف و در اوج فصاحت و بلاغت بود که تفوق پیامبری او را ثابت می کرد؛ از سوی دیگر این معجزه الهی، فقط مختص اهل آن روزگار نبود؛ بلکه چون پیامبر اکرم (ص)، خاتم الانبیاء بودند، معجزه ایشان نیز می بایست جاویدان و برای همه اعصار قابل درک باشد؛ بدین جهت، خداوند متعال به این نکته اشاره می فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ ما این کتاب [آسمانی] را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و سبب هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است (نمل: ۸۹). علامه طباطبایی (ره) نیز در این خصوص می فرماید:

«قرآن مجید در مطالب خود، به امتیاز امم مانند امت عرب یا طایفه ای از طوایف مسلمانان اختصاصی ندارد؛ بلکه با طوایف خارج از اسلام نیز سخن می گوید... و با هر طایفه ای از این طوایف، به احتجاج پرداخته و آنان را به سوی معارف حقّه خود دعوت می کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۳۷۲).

لذا شایسته است ترکیبها و اسلوبهای بی نظیر این کتاب، به صورت ویژه برای دستیابی به معارف ژرف آن، مورد مطالعه و تحقیق همه جانبه قرار گیرد.

حال باید توجه داشت از آنجایی که از یک سو زبان استعاری، یکی از بهترین ابزارها برای درک مفاهیم انتزاعی است و از سوی دیگر، در متن قرآن کریم به واسطه فرهنگ دینی و توحیدی خاص آن، مفاهیم انتزاعی و غیر ملموس بسیاری وجود دارد که برای بیان و درک آنها باید چارچوب «استعاره مفهومی» و نکات کلیدی «معناشناسی شناختی» به صورت دقیق بررسی شود تا با دریافت ارتباط معنایی آنها، مفاهیم محوری این کتاب مقدس به ویژه مفهوم غیر ذهنی حوادث و عذابهای قیامت تا حدّی توان دریافت گردد، لذا در این پژوهش بر آن شدیم تا با کشف، ترسیم و بررسی طرح‌واره‌های تصویری واژه «عذاب»، پرده از زیباییهای نهفته در جملات و عبارات مفهومی حوادث روز قیامت، برداریم و نشان دهیم:

۱. کارکرد طرح‌واره‌های تصویری، به ویژه طرح‌واره «عذاب» در قرآن کریم چیست؟
۲. گونه‌های طرح‌واره‌های تصویری واژه «عذاب» کدامند و انتقال دهنده چه مفاهیمی هستند؟
۳. علت بهره‌گیری از طرح‌واره «عذاب» برای انتقال این مفهوم انتزاعی و ذهنی چیست؟

پیشینه پژوهش

در حوزه طرح‌واره‌های تصویری در متن قرآن کریم تاکنون پژوهش‌ها و مطالعاتی صورت گرفته است؛ از جمله:

- «طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر دنیوی و اخروی از زبان قرآن» از مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، پاییز ۱۳۹۵، سال چهارم، شماره ۳. نویسندگان در این جستار در پی آن‌اند تا چگونگی شکل‌گیری طرح‌واره‌های تصویری در زبان قرآن در حوزه زندگی دنیوی و اخروی را کشف و بررسی نمایند. یافته‌های بررسی ایشان بیانگر این است که طرح‌واره‌های حرکتی، قدرتی، موقعیت بالا و پایین، خطی، نزدیکی و دوری و موقعیت عقب و جلو در حوزه زندگی دنیوی و اخروی به کاررفته است.

- «بررسی معناشناختی مکانی شدگی مفاهیم انتزاعی در زبان قرآن» از شیرین پور ابراهیم و همکاران، نشریه ادب و ذهن سال ۱۳۹۲، سال ۱۶، شماره ۳۴. نویسندگان در این مقاله، واژه‌ها یا کانون‌های استعاره‌ی حاوی مفهوم مکان پشت، رو، دور و نزدیک را از قرآن کریم استخراج کرده و بدین نتیجه دست یافته‌اند که مفاهیم «اهمیت»، «توجه» و «شکست» با استفاده از مفهوم مکانی «پشت» و «رو» و مفاهیم «عظمت»، «دشمنی» و «رسیدگی به امور» با کمک مفاهیم مکانی «دور» و «نزدیک» مفهوم‌سازی شده است.

- «استعاره مفهومی «رحمت الهی» در قرآن کریم» از سیده مطهره حسینی و علیرضا قائمی‌نیا، مجله ذهن، سال ۱۳۹۶، شماره ۶۹. این مقاله به بررسی استعاره مفهومی «رحمت الهی» در قرآن کریم می‌پردازد. دستاورد این مقاله، بیانگر آن است که در برخی آیات،

رحمت خداوند همچون اموال گران بها در گنجینه‌هایی ذخیره شده است که خداوند در مواقع لزوم و در صورت شایستگی بندگان، درهای آن را می‌گشاید و در برخی دیگر، رحمت خداوند به مانند ظرفی شبیه‌سازی شده که بنده می‌تواند داخل آن رود و یا از آن خارج شود و سپس این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که قرآن به کمک استعاره‌های مفهومی، مفاهیم پیچیده از امور عینی و مجردات را با زبانی ساده و ملموس به بشریت عرضه می‌دارد.

- «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی» از عالیه گُرد زعفرانلو و خدیجه حاجیان، فصلنامه نقد ادبی سال ۱۳۸۹، سال سوم، شماره ۹. نویسندگان در این مقاله در پی بررسی استعاره جهتی در چارچوب رویکرد شناختی نظریه معاصرند. بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی استعاره‌ها که دارای جهت مکانی «بالا» هستند با معنا یا رویداد یا احساس مثبت همراه هستند؛ درحالی که استعاره جهتی «پایین» رویداد یا احساس منفی را القا می‌کنند. به عبارت دیگر، مفاهیم خوب و ارزشمند در بالا و مفاهیم بی‌ارزش یا ضعیف در پایین مفهوم‌سازی می‌شوند.

اما در هیچ یک از آن‌ها زیرساخت طرح‌واره‌ای واژه انتزاعی «عذاب» به صورت اختصاصی و مفصل مورد بررسی قرار نگرفته است؛ تنها در یکی از پژوهش‌ها با عنوان «بسط استعاری مفاهیم ذهنی مرتبط با روز قیامت در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی (بر اساس طرح‌واره‌های تصویری- حجمی)» از فرزانه حاجی قاسمی و نصرالله شاملی، مفهوم عذاب فقط بر اساس طرح‌واره حرکتی و مقدار در روز قیامت بررسی شده است. نتیجه این مقاله حاکی از آن است که بیان مفاهیم ذهنی با استفاده از تعامل فیزیکی انسان با پدیده‌های بیرونی، گستره معنایی واژگان را وسعت می‌بخشد و بر این اساس مخاطب قادر خواهد بود مفاهیم پیچیده را به راحتی رمزگشایی نماید.

لذا پژوهش حاضر بر آن است تا به صورت مفصل بر اساس پنج طرح‌واره تصویری (حجمی، دوری و نزدیکی، خطی، نیرو و عقب و جلو) مفهوم عذاب در روز قیامت را از منظر زبان‌شناسی شناختی در قرآن کریم بررسی نماید.

با توجه به آن که تاکنون در حوزه زبان‌شناسی شناختی، واژه پرکاربرد «عذاب» که تأثیر بسزایی در شناخت قیامت دارد، از منظر طرح‌واره‌های نامبرده بررسی نشده است، نوشتار پیش رو تازه و نو خواهد بود.

۱. ادبیات مفهومی تحقیق

۱-۱. زبان‌شناسی شناختی

یکی از شاخه‌های جدید دانش زبان‌شناسی که سعی در توصیف و تبیین ساختار و نقش زبان دارد، «زبان‌شناسی شناختی» است. زبان‌شناسی شناختی ریشه در مباحث زبانی و علوم شناختی نوظهور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی دارد (راسخ مهند، ۱۳۹۳، ص ۶). از سردمداران بنام این رویکرد می‌توان به جورج لیکاف، رونالد لانگاکر و تالمی اشاره کرد (سلطانی، ۱۳۹۱، ص ۲). زبان‌شناسان دیگری چون کرافت، فوکونیه، جانسون، سویستر و ترنر نیز در رشد و بالندگی این مکتب تأثیرگذار بوده‌اند (راسخ مهند، ۱۳۹۳، ص ۷).

از آنجایی که زبان‌شناسی شناختی با علوم دیگری مانند روان‌شناسی، علوم تربیتی، فلسفه، هوش مصنوعی و عصب‌شناسی رابطه تنگاتنگی دارد و از داده‌های شناختی حاصل از این ارتباط استفاده می‌کند، در پی آن است که بافت‌های زبانی حاصل از این ارتباط را بررسی نماید؛ بنابراین رابطه پیوسته و مستمر با دیگر حوزه‌های شناختی و ویژگی بارز زبان‌شناسی شناختی است.

قابلیت انعطاف‌پذیری ویژه‌ای که زبان‌شناسی شناختی نسبت به سایر علوم دارد، حاصل چنین تعامل گسترده‌ای با دیگر علوم است که رابطه زبان انسان را با شناخت وی از جهان پیرامون، بررسی و تحلیل می‌نماید؛ چراکه «زبان، الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند» (croft & cruse, 2004).

به عقیده لیکاف، دو اصل عمده از مبانی زبان‌شناسی شناختی، اصل تعمیم و اصل شناختی است. بنا بر اصل تعمیم در مطالعه زبان، نگرش حوزه‌ای پذیرفته نیست و جنبه‌های مختلف دانش زبانی بر اساس برخی توانایی‌های شناختی عام ساخته می‌شود و تأکید بر جنبه‌های مشترک حوزه‌های مختلف زبانی است.

در این دیدگاه، دیگر زبان در لایه‌های محدود منحصر نمی‌شود؛ بلکه کاملاً شناور است. مقوله‌ها کاملاً گنگ است ولی شناخت و بافت و سایر عوامل زبانی است که آن‌ها را کدگذاری می‌کند.

ولی اصل شناختی تأکید دارد «اصولی که برای زبان توصیف و تبیین می‌شوند، باید با اصول حاکم بر کارکرد مغز و ذهن که در سایر رشته‌های شناختی کشف شده‌اند، سازگار باشند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص ۴۰). ... بنابراین اصل زبان چیزی جز معنا نیست» (راسخ مهند، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

چهار اصل معناشناسی شناختی، موارد زیر را شامل می‌شود:

۱. معنی، زبانی منظری است. ۲. معنی، زبانی پویا و قابل انعطاف است. ۳. معنی، زبانی دایره‌المعارفی است و مستقل از سایر حوزه‌های شناختی نیست. ۴. معنی، زبانی بر اساس کاربرد عینی و تجربه به دست می‌آید.

۱-۲. مفهوم عذاب

۱-۲-۱. ریشه‌شناسی واژه «عذاب»

واژه «عذاب» از ریشه (ع ذ ب) گرفته شده است. این ریشه در قرآن کریم ۳۷۱ مرتبه تکرار شده است که از این میان ۴۱ مورد آن به صورت فعل (۲ مورد فعل ماضی و ۳۹ مورد فعل مضارع) و مابقی به صورت اسم به کاررفته است (۴ مورد اسم مفعول، ۴ مورد اسم فاعل و ۳۲۲ مرتبه به صورت مصدر).

در اصل معنی این واژه، اختلاف شده است، بعضی معتقدند که این واژه از «عَذَبَ الرَّجُلُ وَالْحِمَارُ وَالْفَرَسُ يَعْذِبُ عَذْبًا وَعُدُوبًا» گرفته شده است و به معنای «لَمْ يَأْكُلْ مِنْ شِدَّةِ الْعَطَشِ»: از فرط تشنگی چیزی نخورد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۸۳)؛ بنابراین نظر، «التَّعْذِيبُ» در اصل، وادار نمودن انسان به تحمل گرسنگی و بی‌خوابی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۵۴).

نظر دیگر این است که اصل آن از «العَذْبُ مِنَ الشَّرَابِ وَالطَّعَامِ» است؛ یعنی کُلُّ مُسْتَسَاخٍ هر چیز گوارایی که به آسانی در گلو فرورود. «عَذْبُ اللِّسَانِ وَعَذْبُ الكَلَامِ» نیز از

جهت تشبیه به آب صاف و گوارا استعمال می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۸۳). پس «التَّغْذِيبُ» بنابر این قول، به معنی شیرینی و گوارایی حیات را از کسی گرفتن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۵۴).

برخی از واژه‌شناسان معتقدند که «التَّغْذِيبُ» همان زدن است که از عبارت «ماءٌ عَذِبٌ» گرفته شده است. در لسان العرب آمده است: ماءٌ عَذِبٌ وَذَوْعَدَبٍ: كَثِيرُ الْقَدَى وَالطُّحْلُبِ: آبی که در آن جلبک و خار و خاشاک باشد؛ وَأَعْدَبَ الْحَوْضَ: نَزَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْقَدَى وَالطُّحْلُبِ: خَاكٌ وَكَلٌّ وَلايِي رَا كَهْ فِي حَوْضِ آبٍ بُوْدَ، كَنَدَ (پاك‌سازی كرد) (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۸۳). «پس عَدْبَةٌ» به معنی اخیر مثل عبارت: كَدَّرْتُ عَيْشَهُ وَزَلَقْتُ حَيَاتَهُ- است یعنی زندگی‌اش را تار، و حیاتش را بی‌ثبات و لغزان نمودم» (خسروی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۷۰). لازم به ذکر است که به لبه و تیزی تازیانه و زبان و اطراف شاخه‌های درخت نیز «عَدْبَةٌ» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۰۲).

مصطفوی در کتاب «التَّحْقِيقُ» خود می‌نویسد: «اصل این کلمات، یکی است و آن چیزی است که مناسب و موافق طبایع و مقتضی حال باشد؛ همچنان که برای آب از واژه «العَدْبُ» استفاده می‌شود. ایشان معتقدند که «الف» عذاب دلالت بر امتداد دارد و عذاب در امور مکروه و ناپسند و مجازاتی که حال فرد و باطن آلوده وی اقتضا می‌کند، استفاده می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۶۶).

۱-۲-۲. انواع عذاب در قرآن کریم

عذاب، مجازات دردناک دنیوی و اخروی گناه کاران و بدکاران است. خداوند حکیم، انسان را برای بندگی خویش خلق کرده (ذاریات: ۵۶) و توانایی انتخاب و اختیار را به او بخشیده است؛ پس کسانی که راه بندگی را در پیش گیرند، سعادتمند می‌شوند و کسانی که از اطاعت و بندگی سرباز زنند، دچار خشم و عذاب الهی می‌گردند. این افراد در دنیا و آخرت، گرفتار کیفر عقاید و اعمال خویش خواهند شد.

۱-۲-۲-۱. عذاب‌های دنیوی

خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن مجید، درباره سرنوشت ذلت‌بار و عذاب خوارکننده اقوام مختلف اعم از قوم عاد، ثمود، لوط و اصحاب سبت و... صحبت به میان آورده است و داستان عذاب آن‌ها را بازگو کرده است. از جمله عذاب‌های دنیوی که به خاطر اعمال بد کافران و معاندان و... گریبان‌گیرشان شده است، نام می‌برد مانند:

- نابودی محصولات به وسیله آتش^۱،
- غرق شدن در آب^۲،
- ابابیل^۳،
- ابر^۴،
- باد^۵،
- باران^۶،

۱. ﴿إِنَّا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ* وَلَا يَسْتَشْفُونَ* فَطَأَفَ عَلَيْهِمُ طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ* فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ (قلم: ۱۷-۲۰).
۲. ﴿كَذَّابٍ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا رَجِمَتْ فَاهْلِكْنَاهُمْ يُدْنُوْنَهُمْ وَ اَعْرَفْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَ كُلِّ كَاثِرٍ طَالِمِينَ﴾ (انفال: ۵۴)، ﴿فَاتَّقِنَا مِنْهُمْ فَاَعْرَفْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِاَتِّمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۳۶)، ﴿فَلَمَّا ءَاسَفُوْنَا اِنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَعْرَفْنَاهُمْ اَجْمَعِينَ﴾ (زخرف: ۵۵)، ﴿وَ اِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنَاكُمْ وَ اَعْرَفْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَ اَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ (بقره: ۵۰)، ﴿كَذَّابٍ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا رَجِمَتْ فَاهْلِكْنَاهُمْ يُدْنُوْنَهُمْ وَ اَعْرَفْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَ كُلِّ كَاثِرٍ طَالِمِينَ﴾ (انفال: ۵۴)، ﴿فَاَخَذْنَاهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ (قصص: ۴۰)، ﴿فَكُلًّا اَخَذْنَا بِذُنُبِهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَ مِنْهُمْ مَّنْ اَخَذْنَاهُ الصَّيْحَةَ وَ مِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْاَرْضَ وَ مِنْهُمْ مَّنْ اَعْرَفْنَا وَ مَا كَانَ اللّٰهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَ لٰكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴾ (عنكبوت: ۴۰)، ﴿وَ اِثْرُكَ الْبَحْرِ رَهْوًا اِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ﴾ (دخان: ۲۴)، ﴿فَاَخَذْنَاهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ (قصص: ۴۰) و ﴿فَاَخَذْنَاهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَ هُوَ مُلِيمٌ﴾ (ذاریات: ۴۰).
۳. ﴿اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحَابِ الْفِيلِ* اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ* وَ اَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيلَ* تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ* فَجَعَلَهُمْ كَعَصِفٍ مَّا تُكْوَى﴾ (فيل: ۱-۵).
۴. ﴿فَكَذَّبَ اَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ*... كَذَّبُوْهُ فَاَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ اِنَّهٗ كَانَ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (شعراء: ۱۷۶-۱۸۹)، ﴿فَلَمَّا رَاُوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ اُوْدِيَّتِهِمْ قَالُوْا هٰذَا عَارِضٌ مُّطَّرِنًا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيْحٌ فِيْهَا عَذَابٌ اَلِيمٌ﴾ (احقاف: ۲۴).
۵. ﴿وَ اَمَّا عَادٌ فَاهْلِكُوْا بِرِيْحٍ صَّرْسَرٍ عَاقِبَةٍ* سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ تَمَّائِيَةَ اَيَّامٍ خُسُوْمًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيْهَا صَرَغِي كَاَتِّمْ اَعْمَارٌ نَّخْلٍ خَاوِيَةً﴾ (حاقة: ۶-۷).

- بارش سنگریزه^۲،
- قحطی و کاهش محصولات،
- ملخ، شپش، قورباغه،
- خون،
- برف قرمز و طوفان^۳،
- زلزله و واژگون ساختن زمین^۴،
- زمین^۵،
- صاعقه^۶،
- صیحه^۷،
- مال و فرزند^۸،
- قتل^۹،
- مسخ^{۱۰}.

-
۱. ﴿فَمَتَّحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَرٍ﴾ (قمر: ۱۱)، ﴿فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جِنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَ شَيْءٍ مِّنْ بَدْرٍ قَلِيلٍ﴾ (سبأ: ۱۶).
 ۲. ﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ* وَ أَنْظَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ (اعراف: ۸۰-۸۴).
 ۳. ﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِّنَ النَّمْرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَدْذَكَّرُونَ* فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ الْجُرَادَ وَ الْفُحْمَ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدَّمَ آيَاتٍ مُّصَلَّاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ* وَ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّيحُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشِفتَ عَنَّا الرِّيحَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (اعراف: ۱۳۰-۱۳۴).
 ۴. ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ (اعراف: ۷۸).
 ۵. ﴿أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نُخَسِّفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمُ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن فِي ذَٰلِكَ لَآيَةٌ لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنبِتٍ﴾ (سبأ: ۹).
 ۶. ﴿وَإِنَّمَا تُمُودٌ فَهَدَيْتَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (فصلت: ۱۷).
 ۷. ﴿وَإِذْ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ (هود: ۶۷).
 ۸. ﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَرْهَقَ أُنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ﴾ (توبه: ۵۵).
 ۹. ﴿فَتَلَوَّهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَجْزِيهِمْ وَ يَصْرِفُهُمْ عَلَيْهِمْ وَ يُشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾ (توبه: ۱۴).
 ۱۰. ﴿وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ* فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۶۵-۶۶).

از جمله عذاب‌های دیگری که گروهی از مفسرین از آن‌ها به عنوان عذاب‌های دنیوی یاد کرده‌اند، می‌توان به استیصال (استدراج)^۱ و ذلت^۲ اشاره کرد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۲۰۳).

۱-۲-۲. عذاب‌های اخروی

خداوند متعال در قرآن کریم، از عذاب‌های اخروی صحبت به میان آورده است و این عذاب‌ها را به مراتب بزرگ‌تر و وحشتناک‌تر معرفی کرده است و بیان می‌دارد که آن‌چنان این عذاب‌ها دردناک است که گناه‌کار حاضر است فرزند خود، همسر و برادر و خویشاوندان و هر آن کسی را که در روی زمین است، فدا کند تا در برابر این عذاب خلاصی و رهایی یابد (معارج: ۱۲-۱۴).

تقسیم‌بندی انواع عذاب‌ها در قیامت، کاری بس دشوار و پیچیده است؛ چراکه کسی حقیقت این عذاب‌ها را درک نکرده است؛ اما بر اساس توصیفات قرآن مجید، شاید بتوان عذاب‌های اخروی را به دو دسته عذاب‌های جسمانی و روحانی تقسیم کرد: عذاب‌های روحانی، عذاب‌هایی را گویند که آثار کیفر و مجازات آن بر روی روح و روان فرد اثرگذار است. برخی از این کیفرها عبارت‌اند از:

- غم و اندوه فراوان و همیشگی^۳،
- سرزنش پروردگار^۴،
- خواری و بی‌یاوری^۵،

۱. ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُمُ اللَّذِيْنَ كَفَرُوا تُمْ أَخَذْتُم مِّنْ عَذَابِ﴾ (رعد: ۳۲).

۲. ﴿وَ إِذْ قُلْتُمْ يَمْوَسَىٰ لَنْ نَّصْبِرَ عَلٰی طَعَامٍ وَّاحِدٍ فَاذْعُ لَنَا رَبَّنَا نَحْنُ نَبِيْتُ الْأَرْضِ مِنْ بَقَلِيهَا وَ قَتَائِهَا وَ قَوْمِهَا وَ عَدِيْبِهَا وَ بَصَلِيهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنٰى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهِيْطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَ ضَرِبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلٰةُ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاءُوا بِعَصَبٍ مِّنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (بقره: ۶۱).

۳. ﴿كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ (حج: ۲۲).

۴. ﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ﴾ قَالَ اخْسَوْا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ﴾ (مؤمنون: ۱۰۷-۱۰۸).

۵. ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (آل عمران: ۱۹۲).

- شماتت مأموران و نگهبانان^۱،
 - نعره و حشتناک دوزخ^۲،
 - گفت‌وگوی ملامت‌آمیز بهشتیان با آنان^۳
- عذاب‌های جسمانی مجموعه‌ای از کیفرهاست که بر جسم آدمی اثر می‌گذارد و جسم وی را آزار می‌دهد. این نوع عذاب را خداوند متعال با شکنجه‌ها و تنبیهات بدنی سخت و دردآور، خوراکی‌ها و پوشیدنی‌ها به تصویر کشیده است که عبارت‌اند از:
- زقوم یا میوه تلخ^۴،
 - حمیم یا آب سوزان^۵،
 - غسلین یا چرک و خون^۶،
 - ضریح؛ به معنای نوعی گیاه خاردار و بسیار تلخ و متعفن‌تر از مردار و داغ‌تر از آتش^۷،
 - غَسَاق یا خونابه^۸،
 - صدید؛ به معنای چرک و خونابه جراحات^۹،
 - غذای گلوگیر^{۱۰}،
 - لباس‌های دردآور و سوزنده بر دوزخیان^{۱۱}،

۱. ﴿وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَازِنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَلَيْنَا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ * قَالُوا أَوْ لِمَ تَأْتِيكُمْ مُسَلِّمِينَ بِالْبَيْتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فادْعُوا وَمَا دَعْوُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾ (غافر: ۴۹-۵۰).

۲. ﴿إِذَا رَأَوْهُمْ مِّن مَّكَانٍ يَبْعِدُ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَ زَفِيرًا﴾ (فرقان: ۱۲).

۳. ﴿وَوَ نَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف: ۴۴).

۴. ﴿إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ * طَعَامُ الْأَنِيمِ * كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ * كَغَلَى الْحَمِيمِ﴾ (دخان: ۴۳-۴۶).

۵. ﴿ثُمَّ إِنَّ هُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ﴾ (صافات: ۶۷).

۶. ﴿وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسْلِينَ﴾ (حاقة: ۳۶).

۷. ﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ * لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْجُوعِ﴾ (غاشیه: ۶-۷).

۸. ﴿إِلَّا حَمِيمًا وَ غَسَاقًا﴾ (نبا: ۲۵).

۹. ﴿مَنْ وَرَّاهُ جَهَنَّمَ وَيَسْمِعُ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ * يَتَخَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ﴾ (ابراهیم: ۱۶-۱۷).

۱۰. ﴿إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ حَجِيمًا * وَ طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (مزمّل: ۱۲-۱۳).

- پوشیدنی‌های زشت و بدمنظر و بدبو^۲،
- برخورد با بادهای کشنده و دودهای غلیظ و آتش‌زا^۳،
- رویدن پوست‌های پی‌درپی و از میان رفتن آن‌ها^۴،
- داغ شدن صورت، پهلو و پشت^۵،
- حبس در زندان‌های تنگ و تاریک با غل و زنجیر به صورت انفرادی^۶،
- کشانیده شدن به سوی آتش در حالی که گناه‌کار، غل و زنجیر بر گردن، دست‌وپا دارد^۷،
- گرز آهنین^۸،
- داخل شدن در سقر^۹.

۱-۳. طرح‌واره‌های تصویری و کارکرد آن

یکی از مفاهیم اساسی «زبان‌شناسی شناختی»، مفهوم طرح‌واره تصویری است که گشتارهایی تجربی بوده و از طریق فعالیت‌های جسمی - حرکتی به هنگام کنترل اشیاء، قرار

۱. ﴿هَآذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَهْمٍ فَالَّذِينَ كَفَرُوا فُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ * يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ﴾ (حج: ۱۹-۲۰).

۲. ﴿سَزَابٌ لَّهُمْ مِّن قَطْرَانٍ وَ تَعْنَى وُجُوهُهُمْ النَّارُ﴾ (ابراهیم: ۵۰).

۳. ﴿وَ اصْحَابُ الشَّمَالِ مَا اصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ * وَ ظِلٌّ مِّنْ حَمُومٍ * لَا بَارِدٌ وَ لَا كَرِيمٌ * اِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَالِكَ مُتْرَفِينَ﴾ (واقعه: ۴۱-۴۶).

۴. ﴿اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيْهِمْ نَارًا كَلِمًا نُّصْحِتْ جُلُودَهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَزِيْرًا حَكِيْمًا﴾ (نساء: ۵۶).

۵. ﴿يَوْمَ يَجْمَىٰ عَلِيْهَا فِي نَارٍ حَمِيْمٍ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوْبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هٰذَا مَا كُنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ فَذَوْقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ﴾ (توبه: ۳۵).

۶. ﴿وَ اِذَا اُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرَّبِيْنَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا * لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَّاحِدًا وَ ادْعُوا ثُبُورًا كَثِيْرًا﴾ (فرقان: ۱۳-۱۴).

۷. ﴿خُدُوْهُ فَعَلُوْهُ * ثُمَّ الْجَحِيْمَ صَلُوْهُ * ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُوْنَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوْهُ﴾ (حاقه: ۳۰-۳۲).

۸. ﴿وَ لَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيْدٍ﴾ (حج: ۲۱-۲۲).

۹. ﴿سَأْصَلِّيْهِ سَقْرٌ * وَ مَا اُذْرُتْكَ مَا سَقْرٌ * لَا تُبْقِيْ وَ لَا تَذُرْ * لَوْ اَحَآةَ لِّلْبَشْرِ * عَلِيْهَا تِسْعَةَ عَشْرِ﴾ (مدثر: ۲۶-۳۰).

گرفتن در فضا و زمان و جهت‌دهی کانون ادراکی به منظور اهداف خاصی به وجود می‌آید (Johnson, 1991).

«زبان‌شناسی شناختی» بر این ادعاست که بخش مهمی از دانش انسانی، ایستا و گزاره‌ای و جمله‌ای نیست؛ بلکه حاصل تعاملات ادراکی، اعمال جسمانی و کنترل اشیاء است (Johnson, 1987 & Lakoff, 1987 & 1990 & Talmy, 1988).

طرح‌واره‌های تصویری، ساختاری معنی‌دار و جسمی شده‌ای است که حرکات جسم انسان در فضای سه‌بعدی، تعاملات ادراکی و نحوه برخورد ما با ادراک آن‌ها را پدید می‌آورد. به نظر جانسون، تجربیات ما از جهان خارج ساخت‌هایی در ذهن ما پدید می‌آورد که ما آن‌ها را به زبان خود انتقال می‌دهیم. به عبارت ساده‌تر، طرح‌واره‌های تصویری، نوعی ساخت مفهومی است که برحسب تجربه ما از جهان خارج در زبان نمود می‌یابد (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۶۷-۶۸). طرح‌واره‌های تصویری چند ویژگی دارند:

۱. طرح‌واره‌های تصویری از لحاظ منشأ، پیش مفهومی‌اند.
 ۲. طرح‌واره‌های تصویری می‌تواند مفاهیمی بسیار دقیق را پدید می‌آورد.
 ۳. طرح‌واره‌های تصویری از مشاهده جهان و تعامل با آن ناشی می‌شود.
 ۴. طرح‌واره‌های تصویری فی‌نفسه معنادار هستند.
 ۵. طرح‌واره‌های تصویری بازنمایی‌های مشابه هستند.
 ۶. طرح‌واره‌های تصویری فی‌نفسه می‌توانند پیچیده باشند.
 ۷. طرح‌واره‌های تصویری با صورت‌های ذهنی یکی نیستند.
 ۸. طرح‌واره‌های تصویری چند وجهی هستند.
 ۹. طرح‌واره‌های تصویری در معرض تغییر و تبدیل‌اند.
 ۱۰. طرح‌واره‌های تصویری می‌توانند در گروه‌ها یافت شوند.
- ترنر به اقسام مختلفی از طرح‌واره‌های تصویری اشاره کرده است. طرح‌واره‌ها ممکن است ساده یا مرکب باشند. رایج‌ترین طرح‌واره‌های ساده عبارت‌اند از:

۱. طرح‌واره‌هایی که حرکت در یک مسیر را نشان می‌دهند؛
۲. طرح‌واره‌هایی که رابطه درون و داخل را بیان می‌کنند؛

۳. طرح‌واره‌هایی که توازن را نشان می‌دهند؛

۴. طرح‌واره‌هایی که تقارن را نشان می‌دهند؛

۵. طرح‌واره‌های نیرویی - پویایی (قائمی نیا، ۱۳۹۰، ص ۵۶-۶۱).

۲. تحلیل طرح‌واره‌های تصویری «عذاب» در قرآن کریم

۱-۲. طرح‌واره حجمی و مفهوم آن

«بر اساس طرح‌واره حجمی، تجربه‌ای که انسان از وجود فیزیکی خود مبنی بر اشغال بخشی از فضا دارد، در کک مفهوم انتزاعی حجم را برای او امکان‌پذیر می‌سازد و انسان، مطرووف ظرف‌ها و مکان‌هایی می‌شود که دارای حجم هستند و این تجربه فیزیکی را به مفاهیم دیگر که به لحاظ جوهری یا مفهومی حجم ناپذیرند، بسط می‌دهد و طرح‌واره‌های انتزاعی از احجام فیزیکی در ذهن خود پدید می‌آورد» (محمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱).

در بسیاری از موارد، قرآن کریم نیز برای تبیین و محسوس نمودن پدیده‌ها و مسائل مربوط به زندگی دنیوی و اخروی و همچنین به‌طور ویژه، بحث «عذاب» که مفاهیمی انتزاعی هستند، از این شیوه استفاده نموده است. مانند: ﴿أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَتْ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ﴾ (هود: ۲۰).

آن‌ها هیچ‌گاه توانایی فرار در زمین را ندارند؛ و جز خدا، پشتیبان‌هایی نمی‌یابند! عذاب خدا برای آن‌ها مضاعف خواهد بود؛ (چرا که هم خودشان گمراه بودند و هم دیگران را گمراه ساختند)؛ آن‌ها هرگز توانایی شنیدن (حق را) نداشتند؛ و (حقیقت را) نمی‌دیدند! (مکارم شیرازی).

طبرسی در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: در معنای «يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ» در این آیه چند وجه گفته شده است:

۱- چنان نیست که تنها به واسطه کفرشان، عذاب شوند بلکه گذشته از اینکه برای کفر، عذاب و کیفر می‌شوند برای سایر گناهان نیز عذاب شوند، چنانچه در آیه دیگر فرموده: ﴿زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾.

۲- یعنی هر وقت یک نوع از عذاب بر آن‌ها صورت گیرد به دنبال آن نوعی دیگر همانند آن یا سخت‌تر بیاید و هم چنان پیوسته روی استحقاقی که داشته‌اند، عذاب‌های گوناگون ببینند.

۳- عذاب، نسبت به بزرگان و رؤسای آن‌ها مضاعف گردد به خاطر کفرشان و به خاطر اینکه مردم را به پیروی خود می‌خواندند، که یکی عذاب گمراهی است و دیگری عذاب گمراه کردن و بازداشتن مردم از راه خدا (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۳۴).

همچنان که مشاهده می‌گردد در این آیه شریفه، «عذاب» به منزله شیء مادی در نظر گرفته شده است که در صورت لزوم، می‌توان بر آن افزود یا از آن کم کرد. این طرح‌واره در قرآن کریم با واژه‌های دیگری نیز که دلالت بر کم و زیاد شدن دارد، هم چون «زدنا»، «لایخفف» و «یضاعف» بیان شده است. در این گونه آیات، خداوند با به کار بردن واژه‌هایی ملموس، عذاب را در قالب «طرح‌واره حجمی» به صورت عینی به تصویر کشیده است.

در مثال دیگر در سوره ق، آیه ۲۶ می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ﴾؛ همان کسی که معبود دیگری با خدا قرار داده، (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید! (مکارم شیرازی)

خداوند، برای بیان این نکته که کافران در عذاب شدیدی هستند و این عذاب آن‌ها را از همه طرف احاطه کرده است، از طرح‌واره حجمی بهره جسته است و عذاب را به‌عنوان ظرفی مفهوم‌سازی کرده است که انسان‌ها، مظلوف آن هستند. کاربرد حرف اضافی «فی» در این آیه، باعث گردیده تا واژه انتزاعی «عذاب»، مانند یک حجم فیزیکی در ذهن متصور گردد و درک مفهوم آن آسان‌تر شود. شایان ذکر است که طرح‌واره حجمی با حروف اضافه‌ای همچون «در، داخل، توی، بیرون و...» نیز به کار می‌رود و آنچه پس‌از این حروف به کار می‌رود، دارای حجم تلقی می‌شود (رضوی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۱).

واژه‌های دیگری نیز در قرآن همچون داخل شدن در عذاب (غافر: ۴۶)، افکنده شدن در عذاب (ق: ۲۶)، باقی ماندن در عذاب (طه: ۷۱) و جاودانه بودن در آن (مائده: ۸۰) بیانگر این طرح‌واره تصویری است.

۲-۲. طرح‌واره نزدیکی و دوری و مفهوم آن

این نوع از طرح‌واره‌های تصویری که یکی از زیرمجموعه‌های «طرح‌واره مکانی» است، با فاصله اشیاء نسبت به یکدیگر سروکار دارد. در این نوع طرح‌واره، برای به تصویر کشیدن مفاهیم انتزاعی، عموماً از واژگانی استفاده می‌شود که دلالت بر نزدیکی و دوری اشیاء نسبت به یکدیگر دارند. تیلر معتقد است زمانی که یک طرح‌واره مبتنی بر روابط مکانی بر دامنه غیر مکانی فرافکننده شود، در واقع طرح‌واره تصویری نزدیکی و دوری ترسیم گردیده است. او معتقد است این فرافکنی میزان تداخل عاطفی و احتمال تأثیر متقابل را برحسب نزدیکی و دوری تغییر می‌دهد (تیلر، ۱۳۸۳، ص ۳۲۰).

یکی از نمونه‌های بارز برای ترسیم این نوع طرح‌واره، مفهوم‌سازی نزدیکی خداوند به بندگان در آیه ۱۶ سوره قاف است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُؤَسُّوسُ بَيْنَ فُؤُسِهِ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾؛ ما انسان را آفریدیم و سوسه‌های نفس او را می‌دانیم و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم. (مکارم شیرازی)

خداوند تبارک و تعالی از این نوع طرح‌واره، در مفهوم انتزاعی «عذاب» نیز استفاده نموده است:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾ (اسراء: ۵۷)؛ کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرّب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هرچه نزدیک‌تر؛ و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می‌ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است! (مکارم شیرازی)

خداوند در این آیه، بیان می‌کند که ملائکه، جن و انس که مشرکین آن‌ها را معبود خود خوانده‌اند، برای تقرّب به پروردگار و نزدیک‌تر شدن به او، خود نیاز به وسیله دارند تا به او اقتدا کنند و در امور زندگی شان به او مراجعه کنند. آن‌ها از عذاب پروردگار بیمناک‌اند درحالی که عذاب پروردگار، محذور است.

واژه «محذور» اسم مفعول از ریشه «حَذَرَ يَحْذُرُ حَذْرًا» و به معنای دوری کردن و احتراز از چیز ترسناک و هراس‌آور است (خسروی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶۰). کتاب «المعجم الوسیط»

این واژه را این‌گونه ترجمه کرده است: ما يُتَّقَى وَيُحْتَرَزُ؛ یعنی آنچه که باید از آن بر حذر بود و دوری جست (انیس و دیگران، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۶۲). اگرچه نویسنده در ترجمه این واژه، معانی دوری را به صورت صریح ذکر نکرده است، اما در ذیل واژه «اتَّقَى» معانی «حذره، بِحَبْنَةٍ و ابتعد عنه» را گنجانده است (همان، ج ۱، ص ۱۳۸).

در این آیه، رابطه مکانی دوری، بر دامنه غیر مکانی که عذاب پروردگار می‌باشد، فراقکنده شده است تا بدین وسیله میزان تأثیرگذاری و ترس از این مفهوم ذهنی، ملموس‌تر گردد؛ به بیان روشن‌تر، مفهوم «عذاب» به گونه‌ای تصور شده است که گویی شیئی است با قابلیت دوری و نزدیکی.

همچنین در آیه: ﴿وَلَذِيْقَتْنَهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنِ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (سجده: ۲۱)؛ به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید بازگردند (مکارم شیرازی).

خداوند متعال برای بیان عذاب دنیا و عدم گریز و فرار از این عذاب الهی، از واژه «أذنی» استفاده کرده است. علامه طباطبایی می‌فرماید:

«در این آیه شریفه، عذت رسانیدن عذاب دنیا بدیشان، امید بازگشت به سوی خدا و توبه است؛ در نتیجه مراد از عذاب «أذنی» عذاب دنیا خواهد بود، که خداوند برایشان نازل کرد تا زهر چشمی از آن‌ها بگیرد و آن‌ها را از عذاب بزرگ قیامت بترساند؛ و معنای آیه از «عذاب أذنی» یعنی عذاب نزدیک‌تر از عذاب قیامت، چیزی از قبیل قحطی و مرض و جنگ و خون‌ریزی و امثال آن است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۶۴).

۲-۳. طرح‌واره خطی و مفهوم آن

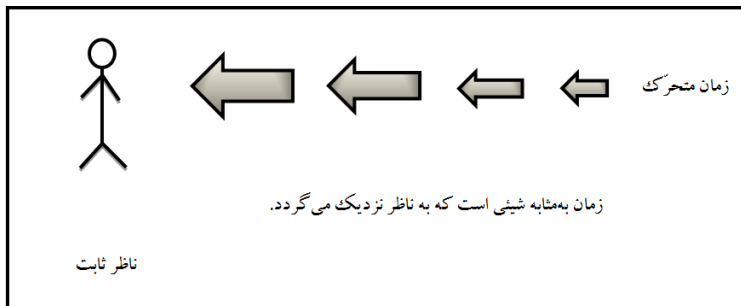
تیلر معتقد است در این طرح‌واره، اشیاء بر روی یک خط مستقیم با فاصله‌های متفاوتی از یکدیگر قرار گرفته‌اند و یک ناظر، در امتداد این خط قرار دارد که با هر یک از اشیاء در فاصله‌ای متغیر قرار گرفته است (تیلر، ۱۳۸۳، ص ۳۲۲). در «زبان‌شناسی شناختی»، برای مفهوم‌سازی زمان، دو مدل شخص محور و زمان محور، قابل تصور است؛ مدل زمان محور

در بحث طرح‌واره خطی نمی‌گنجد. آنچه که طرح‌واره خطی را می‌سازد، مدل شخص محور است که این نوع طرح‌واره خود به دو مدل زمان متحرک و ناظر متحرک، قابل تقسیم است.

۲-۳-۱. مدل زمان متحرک

در این مدل، ناظر به صورت ثابت و منفعل و زمان‌ها نسبت به وی، در حال حرکت است؛ مانند: «آزمون ارشد دارد نزدیک می‌شود». در واقع از حیث شناختی، الگوی حرکت زمان به گونه‌ای مفهوم‌سازی شده که گویی آزمون ارشد می‌تواند حرکت کند و به ما نزدیک شود.

تصویر ذیل گویای این مطلب است:



خداوند در قرآن کریم برای ملموس‌تر کردن مفهوم انتزاعی «عذاب»، از این مدل شناختی در موارد بسیار و با الفاظ و واژه‌های متفاوت، بهره‌جسته است.

به عنوان نمونه آیه ۸ سوره هود: ﴿وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيْقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِيَمِّمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾؛ و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آن‌ها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا می‌گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!») آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آن‌ها بازگردانده نخواهد شد؛ (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود)؛ و آنچه را مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گیرد! (مکارم شیرازی)

«در این آیه اشاره و بلکه دلالت است بر این که کفار، وقتی از کلام خدای تعالی و یا از زبان پیامبر گرامی‌اش وعده عذابی را شنیدند که مفری از آن نبود و وقتی دیدند که خدا از

در رحمتش نسبت به آنان، آن عذاب را نفرستاد، دست به تمسخر زده و از در استهزا گفتند: پس آن عذاب چه شد؟ و چرا نیامد؟

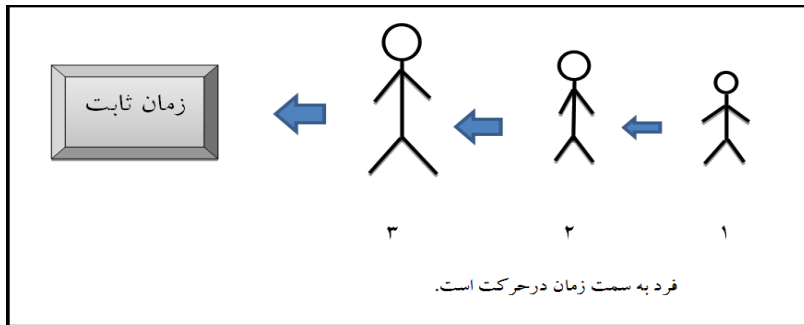
مؤید این دلالت این است که در آخر آیه فرموده: ﴿أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ﴾ یعنی آگاه باشند که روزی که آن عذاب بیاید، دیگر از آنان بر نخواهد گشت» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۳۰). «أُمَّة» نیز در اینجا بنا بر گفته ابن عباس و مجاهد، به معنای زمان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۱۸).

در این آیه شریفه، این مدل در مورد زمان عذاب قیامت به کار گرفته شده تا انفعال ناظر و محتوم بودن حسابرسی و تعذیب کفار را به خوبی نشان دهد؛ در واقع مفهوم غیر مادی «عذاب»، به گونه‌ای تصوّر شده است که کفار در موقعیت ثابتی قرار دارند و این زمان عذاب است که حرکت می‌کند و از آن‌ها دور می‌شود و یا به آن‌ها نزدیک می‌گردد؛ به گونه‌ای که از حیث شناختی، زمان عذاب به صورت حرکت زمان (زمان متحرک) قابل درک است.

۲-۳-۲. مدل ناظر متحرک

در این مدل، زمان دارای امتداد و مانند یک جسم دارای حجم تصور می‌شود؛ به گونه‌ای که همانند مکانی ثابت تلقی می‌شود و ناظر به سوی آن در حرکت است و در نهایت، به این زمان خواهد رسید؛ مانند: «کم کم به ماه رمضان نزدیک می‌شویم». بر اساس این الگو به نظر می‌رسد که گوینده در حال حرکت است و به ماه رمضان نزدیک می‌شود؛ در واقع می‌توان گفت از حیث شناختی، زمان به صورت الگوی حرکت شخص، مفهوم‌سازی شده است.

به‌عنوان مثال در آیه ۱۷۶ سوره صافات: ﴿أَفِعْذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ﴾ آیا آن‌ها برای عذاب ما شتاب می‌کنند؟ (مکارم شیرازی)، عذاب به منزله ظرفی ثابت، در نظر گرفته شده است که فرد کافر (ناظر) به سوی آن با سرعت در حرکت است و در رسیدن به آن، تعجیل و شتاب می‌کند و در نهایت نیز بدان خواهد رسید. در این مدل شناختی که ناظر متحرک است، فعال و مختار بودن عامل بیش‌تر به چشم می‌خورد.



۲-۴. طرح‌واره نیرو و مفهوم آن

به گفته جانسون، انسان با دیدن سدها و دیوارها و آنچه در مسیر حرکت، متحرک‌ها را قطع می‌کند، طرح‌واره‌ای در ذهن خود پدید می‌آورد که به نیروی او در گذر از سدها مربوط است (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۷۴). این طرح‌واره، خود شامل چندین طرح‌واره مربوط به هم است که می‌توان برخی از آن‌ها را این گونه شرح داد:

۲-۴-۱. طرح‌واره تصویری ممانعت

در این طرح‌واره، سدّ پیش رو، محکم است و در واقع، مانع ادامه حرکت و رسیدن به مقصود می‌شود؛ گویی چاره‌ای جز توقف در پشت مانع نیست؛ مانند: «با غیبت راه سعادت‌مندی را به روی خود بست». در این مثال غیبت به‌مانند سدّی تصویرسازی شده است که مانع حرکت وی به سوی سعادت و رستگاری است؛ به همین دلیل در این نوع از طرح‌واره نیرو، گویی چاره‌ای جز ماندن پشت مانع وجود ندارد.

آیه شریفه ۱۸۸ سوره آل عمران بیانگر این مسأله است: ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُجِبُونَ أَنَّ يُمْدَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّاهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ گمان مبر آن‌ها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آن‌ها، عذاب دردناکی است. (مکارم شیرازی).

در این آیه نیز، عذاب پروردگار، به مانند سد و مانعی در نظر گرفته شده است که در نتیجه اعمال بدکاران در برابرشان ظاهر می‌شود و مانع رسیدن آن‌ها به اهداف خود در دنیا و آخرت می‌گردد و هیچ راه نجات و خلاصی نیز از آن نیست.

صاحب تفسیر نمونه، ذیل این آیه شریفه می‌گوید:

«کسانی که از اعمال زشت خود، خوشحال‌اند و دوست دارند در ازای آنچه که انجام نداده‌اند، از آن‌ها تقدیر شود، از عذاب الهی دور نیستند و هرگز نجات نخواهند یافت. نجات از عذاب پروردگار برای کسانی است که حداقل از کار خود شرم‌منده و از این‌که کار حسنه‌ای انجام نداده‌اند، نادم و پشیمان‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۱۰).

ایشان همچنین معتقدند این آیه، مختص منافقانی که در صدر اسلام می‌زیسته‌اند، نیست؛ بلکه همه افرادی که در زمان کنونی زندگی می‌کنند و از اعمال زشت خود خرسندند و مردم را تحریک می‌کنند که آن‌ها را با قلم و یا سخن در برابر اعمالی که انجام نداده‌اند، تقدیر کنند نیز، مشمول این آیه قرار خواهند گرفت. این افراد، نه تنها عذاب دردناک آخرت در انتظارشان است، بلکه در زندگی این دنیا عذاب گریبان‌گیرشان است و دچار خشم الهی و جدایی از خلق و انواع نابسامانی‌ها خواهند شد.

۲-۴-۲. طرح‌واره تصویری اجبار

در این نوع طرح‌واره، فرد در مسیر راه، به اجبار به سوی کشیده می‌شود. راسخ مهند معتقد است وقتی فرد در میان جمعیتی است و جمعیت او را به هر سو می‌کشد، در واقع از «طرح‌واره اجبار» استفاده شده است (راسخ مهند، ۱۳۸۹، ص ۵۰). خداوند نیز در قرآن کریم، برای بیان اجبار و عدم اختیار دوزخیان برای رفتن به سوی عذاب از این طرح‌واره استفاده کرده است؛ مانند آیه شریفه:

﴿مَتَّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضَّطُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾ (لقمان: ۲۴)؛ ما اندکی آن‌ها را از متاع دنیا بهره‌مند می‌کنیم، سپس آن‌ها را به تحمل عذاب شدیدی وادار می‌سازیم. (مکارم شیرازی).

راغب در کتاب *مفردات* خود می نویسد که منظور از کلمه «نَضَطْرٌ» وادارشدن انسان به کاری است که آن را ناخوش می دارد؛ او معتقد است اضطراب در این آیه، زیان دیدن به سبب امری خارجی است؛ مثل کسی که تهدید و زده می شود و برای اینکه رام شود تحت فشار قرار می گیرد که آن کار، بر او بار شود. (خسروی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۴۷). زمخشری نیز معتقد است کشانده شدن این افراد به سوی عذاب به اضطراب فرد به چیزی تشبیه شده است که توان جدا شدن از آن را ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۰۰).

«لذا این جمله این توهم را دفع نموده و می فهماند که کفار در دنیا نیز حتی یک لحظه خارج از تدبیر خدا نیستند، و اگر با متاع اندک دنیا بهره مندشان می کند، چیزی نخواهد گذشت که مضطر و ناچارشان می کند، تا با پای خود به سوی عذابی غلیظ روان شوند. پس به هر حال مغلوب و مقهورند، و دائماً امر آنان به دست خدا است و نمی توانند خدا را به ستوه آورند نه در حال بهره مندی شان، و نه در غیر آن حال» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۴۵).

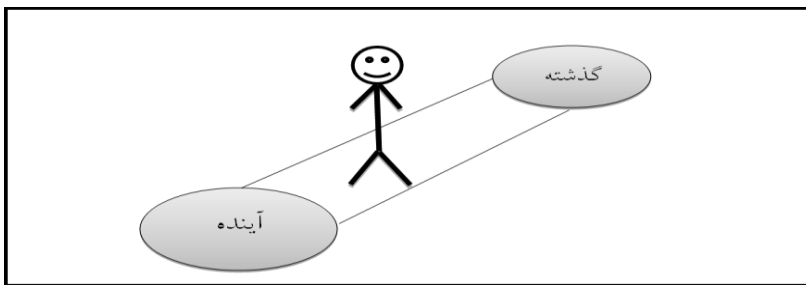
۲-۵. طرح واره عقب و جلو و مفهوم آن

یکی از انواع طرح واره های متداول، طرح واره موقعیت عقب و جلو است. این طرح واره در مرحله اول برای بدن انسان به کار می رود؛ قسمت جلو همیشه روبروی جهتی است که معمولاً انسان حرکت می کند. استعاره مفهومی این طرح واره، غالباً در موقعیت زمانی به کار می رود؛ به گونه ای که آینده در جلو قرار می گیرد و گذشته، پشت سر است. ریشه بسیاری از استعاره های مفهومی به کاررفته در قرآن، طرح واره موقعیتی جلو و عقب است که مثلاً برای بیان زمان آینده از عبارت «بَیْنَ أَيْدِيهِمْ» و برای زمان گذشته از عبارت «خَلْفَهُمْ» استفاده شده است.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنِئِي وَفُرَادَىٰ تُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ (سبا: ۴۶).

بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و هم‌نشین شما [محمد] هیچ‌گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم‌دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!» (مکارم شیرازی).
در این آیه شریفه، خداوند برای بیان عذاب قیامت که در آینده در نتیجه اعمال بدشان، بدان‌ها خواهد رسید، به‌جای استفاده از واژه‌هایی نظیر «المستقبل، الآتی و غداً» و... از عبارت «بَيْنَ يَدَيَّ» استفاده کرده است.

مفسرین معتقدند منظور از عذاب پیش‌رو، عذاب قیامت است که در آینده به ایشان می‌رسد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۱۹). کاربست این واژه، حاکی از آن است که عذاب شدیدی در زمان آینده، در پیش‌رو قرار گرفته است. این طرح‌واره، علاوه بر ساخت مفهومی زمان، برای نشان دادن اهمیت و بی‌اهمیتی نیز می‌باشد. چراکه انسان هنگام توجه به چیزی، صورت خود را به‌سوی آن می‌چرخاند و هنگام عدم توجه روی از آن برمی‌گرداند؛ مانند عبارت ﴿...فَبِيدُوهُ وَّرَاءَ ظُهُورِهِمْ...﴾ در آیه ۱۸۷ سوره آل‌عمران؛ یعنی آن را ضایع کردند و پشت سر انداختند و نسبت به آن آگاه نشدند همچنین در مورد کسی که چیزی را دور می‌اندازد و به آن توجه نمی‌کند، گفته می‌شود: ﴿رَمَاهُ بِظَهْرِهِ﴾ یعنی آن را پشت سر انداخت (قائمی و ذوالفقاری، ۱۳۹۵، ص ۲۰).



در آیه ۵۵ سوره کهف نیز برای بیان عذاب آخرت از واژه «قُبُل» استفاده شده است:
﴿وَمَنْعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمْ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأُولَىٰ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا﴾

و چیزی مردم را باز نداشت از اینکه - وقتی هدایت به سراغشان آمد - ایمان بیاورند و از پروردگارش طلب آموزش کنند، جز اینکه (خیره سری کردند؛ گویی می خواستند) سرنوشت پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد! (مکارم شیرازی).

واژه «قُبَل» واژه‌ای است که به صورت‌های مختلف قرائت شده است؛ «قُبَل» (به ضم هر دو حرف) به معنای در مقابل چشم و بالعیان مشاهده کردن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۴۶۱)، و «قُبَل» (به فتح هر دو حرف) به معنای «مستقبل» است (زمخسری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۹۲). در هر صورت خداوند متعال برای بیان عذاب قیامت که در آینده‌ای نه‌چندان دور بدان‌ها خواهد رسید، از این واژه استفاده کرده است.

نتیجه‌گیری

۱- یکی از شیوه‌های گوناگونی که قرآن کریم به‌عنوان یک اثر مذهبی و ادبی برای بیان، عینی کردن و یا ملموس و محسوس‌تر ساختن مفاهیم ذهنی و انتزاعی، به‌منظور هدایت و تربیت همه انسان‌ها از آن بهره‌جسته، طرح‌واره‌های تصویری است که حاصل حرکات جسم انسان، تعاملات ادراکی و نحوه برخورد با ادراک است؛ در واقع این طرح‌واره‌ها از تعامل انسان با جهان نشأت می‌گیرند و به‌وسیله تنوع، حرکت و پویایی آن‌ها، مفاهیمی همچون قیامت و به‌صورت ویژه مفهوم «عذاب» را محسوس و قابل درک می‌سازد. غالب این طرح‌واره‌ها از اجزای بدن انسان و موقعیت فیزیکی و تجارب جسمی انسان و نسبت او با سایر موجودات محسوس، برگرفته شده است.

۲- گونه‌های طرح‌واره‌های تصویری کشف شده در این جستار و مفاهیم آن، پس از بررسی نمونه آیات «عذاب» به شرح ذیل است:

الف) طرح‌واره حجمی: خداوند با بهره‌گیری از این طرح‌واره، در واقع با تجربه‌ای که انسان از وجود فیزیکی خود، مبنی بر اشغال بخشی از فضا دارد، مفهوم انتزاعی «عذاب» را کاملاً ملموس ساخته است و به‌گونه‌ای این مفهوم را تصویرسازی کرده است که مطرووف ظرف‌هایی می‌شود که دارای حجم هستند؛ به عبارت دیگر خداوند این تجربه

فیزیکی را به مفهوم «عذاب» که به لحاظ جوهری یا مفهومی حجم ناپذیر است، بسط می‌دهد و این نوع طرح‌واره را در ذهن خواننده پدید می‌آورد؛ به گونه‌ای که با استمداد از واقعیت دنیایی، قابلیت زیاد شدن دارد.

ب) طرح‌واره دوری و نزدیکی: در بسیاری از آیات قرآن کریم، خداوند برای بیان مفهوم انتزاعی «عذاب» از واژگانی که دلالت بر رابطه مکانی دارند، استفاده کرده است که میزان تداخل عاطفی و احتمال تأثیر متقابل برحسب این رابطه مکانی را تغییر می‌دهد؛ در واقع عذاب پروردگار به مثابه شیئی با قابلیت دوری و نزدیکی، بیمناک و محذور بیان شده است.

ج) طرح‌واره خطی که خود متشکل از دو مدل زمان تحرك و ناظر متحرك است. خداوند در آیاتی از قرآن، به شیوه‌ای این مدل را برای بحث «عذاب» مفهوم‌سازی کرده است که خواننده، آن را به گونه‌ای تصور می‌کند که به سمت او می‌آید و یا از او دور می‌شود و چیزی نمی‌تواند آن را از مسیرش منحرف کند؛ در واقع در این دسته از آیات، کفار در موقعیتی ثابت قرار دارند و این زمان، عذاب است که از آن‌ها دور می‌شود یا بدان‌ها نزدیک می‌گردد و در نمونه‌ای دیگر از آیات، زمان عذاب به مثابه چشم‌اندازی ثابت فرض شده که انسان کافر نمی‌تواند از آن پیش بیفتد و یا پس بماند.

د) طرح‌واره نیرو: که متشکل از چندین طرح‌واره تصویری مربوط به هم است. خداوند با بهره‌گیری از این طرح‌واره، برای تبیین مفهوم انتزاعی «عذاب»، آن را به مانند سدّی تصویرسازی کرده که مانع حرکت دوزخیان و کفار به سوی سعادت و رستگاری است. در این نوع از طرح‌واره، گویی چاره‌ای جز ماندن پشت مانع وجود ندارد و ادامه حرکت، ممکن نیست و یا در نمونه‌ای دیگر از آیات، دوزخیان به اجبار به سمتی کشیده می‌شوند که توان جدا شدن از آن را ندارند.

ه) طرح‌واره عقب و جلو: یکی از تعبیرهای مکانی که در قرآن کریم فراوان به کار رفته است، تعبیر «من خلفه و من بین یدیه و...» است. در این تعبیر که کاربرد طرح‌واره عقب و جلو را به خوبی نشان می‌دهد، موقعیت‌های خاصی بر اساس روابط مکانی مفهوم‌سازی می‌شود؛ به عنوان مثال در آیه ۵۵ سوره کهف، خداوند برای بیان عذاب

قیامت که در آینده‌ای نه چندان دور به انسان خواهد رسید از واژه قُبُل (مقابل) استفاده کرده است. این کاربرد علاوه بر این که زمان آینده را به خوبی نشان می‌دهد، بازگوکننده اهمیت دادن قرآن کریم به مبحث قیامت و عذاب‌های آن نیز هست.

۳- از تحلیل نمونه آیات هر یک از این طرح‌واره‌های تصویری، چنین برداشت شد که خداوند با ترسیم این طرح‌واره‌ها، این امر غیبی (عذاب) را به گونه‌ای بیان کرده است که با وجود پیچیدگی فوق‌العاده‌اش، برای مخاطب بسیار ملموس گردیده است؛ در واقع خداوند برای بیان و تفهیم هر چه بیشتر مفاهیم ذهنی و انتزاعی و تقویت سطح دریافت مخاطب از مقصود الهی، از ساختاری معنی‌دار و جسمی شده در فضای سه‌بعدی استفاده کرده است. انسان این تجارب را در محیط زندگی زمان خویش به خوبی درک نموده و بر اساس تجربه‌اش از جهان خارج، نمود روشن‌تری می‌یابد.

منابع

۱. **قرآن کریم.**
۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، محقق و مصحح جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
۳. تیلر، جان رابرت (۱۳۸۳)، **بسط مقوله مجاز و استعاره**، ترجمه مریم صابری نوری فام در کتاب استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، گروه مترجمان به کوشش فرهاد ساسانی، تهران: مهر.
۴. راسخ مهند، محمد (۱۳۹۳)، **درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی**، تهران: سمت.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.
۶. _____ (۱۴۱۲)، **مفردات ألفاظ القرآن**، محقق و مصحح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم.
۷. رضوی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «**معرفی و نقد کتاب درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی؛ نظریه‌ها و مفاهیم**»، **ویژنه‌نامه فرهنگستان**، سال ۱۳۹۰، شماره ۷، صص ۲۹۴-۳۲۰.
۸. سلطانی، رضا (۱۳۹۱)، **رویکردی شناختی به چندمعنایی در افعال حرکتی زبان**

- فارسی، محمد عموزاده، پایان‌نامه ارشد، دانشکده زبان‌های خارجی گروه زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۹. صفوی، کوروش (۱۳۸۲)، «بحثی درباره طرح‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی»، *نامه فرهنگستان*، ص ۶۵-۶۸.
۱۰. _____ (۱۳۸۴)، *فرهنگ توصیفی معناشناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۲. _____ (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۴. _____ (۱۳۷۲)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۱۶. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰ش). *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. قائمی، مرتضی و اختر ذوالفقاری (۱۳۹۵)، «طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن»، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، سال ۴، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵.
۱۸. محمدی آسیابادی، علی و همکاران (۱۳۹۱)، «طرح‌واره حجمی و کاربرد آن در تجارب عرفانی»، *پژوهش‌های ادب عرفانی*، سال ۶، شماره ۲۰، پیاپی ۲۲، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۴۱-۱۶۲.
۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، *ترجمه قرآن*، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ دوم.
۲۱. _____ (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۷)، **فروتنک قرآن**، قم: موسسه بوستان کتاب.
23. Croft, William and D. Alan Cruse (2004), *Cognitive linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.
24. Johnson, M (1987), *the Body in the Mind: The Bodily Basis of Mining, Imagination and Reason*, Chicago: University of Chicago Press.
25. Johnson, M (1991), *knows through the body, Philosophical Psychology*, 3-18.
26. Johnson, M (1993), *Moral Imagination*, Chicago: University of Chicago Press, 3-18.
27. Lakoff, G (1987), *Women, Fire and dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*, Chicago: University of Chicago Press.
28. Lakoff, G (1990), *The Invariance Hypothesis: Is Abstract Reason Based on Image schemas?* Cognitive Linguistics, 1, 39-74.
29. Talmy, L (1988), *Force Dynamics in Language and Cognition*, Cognitive Science, 12, 49-100.

Bibliography:

1. The Holy Qur' ān.
2. Al-Kabisī A. Al-Khiṭ āb al-Qur'anī 'T'jāz Mutijaddid. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
3. Croft W. Alan Cruse D. Cognitive linguistics. Cambridge: Cambridge University Press; 2004.
4. Farāḥ īdī KHBA. Kitāb al-' Ayn. Qom: Hijrat; 1409 AH.
5. Hashemi Rafsanjani A. The Lexicon of the Qur'an. Qom: Boostan-e Ketab Institute; 1387 HS.
6. Ibn Manẓ ūr MBM. Līsān Al-' Arab. Researched by: Jamal al-Din Mir-Dāmādī. Beirut: Dar al-Fikr-Dar al-Ş adir; 1414 AH, 3rd ed.
7. Johnson M. Knows Through the Body. Philosophical Psychology, 3-18; 1991.
8. Johnson M. Moral Imagination. Chicago: University of Chicago Press; 1993, 3-18.
9. Johnson M. The Body in the Mind: The Bodily Basis of Mining, Imagination and Reason. Chicago: University of Chicago Press.

10. Lakoff, G. The Invariance Hypothesis: Is Abstract Reason Based on Image Schemas? *Cognitive Linguistics*; 1990, 1, 39-74.
11. Makarem-Shīrazī N. *Tafsīr-e Nemuneh (Selected Exegesis)*. Tehran: Dār Al-Kutub Al-Islāmīyah; 1374 HS.
12. Makarem-Shīrazī N. *Translation of the Qur'an*. Qom: Dār al-Qur'an al-Karīm; 1373 HS, 2nd ed.
13. Mohammadi Asiabadi A. et all. Containment Schema And Its Application in Mystical Experiences. *Mystical Literary Researches*; year 6, no 20 (22). Summer 1391 HS, 141-162.
14. Muş ṭ afawī H. *Al-Taḥ ḳ īḳ fī Kalimāt al-Qur'an al-Karīm*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1368 HS.
15. Qa'emi M. Zolfaqari A. Image Schemas in the field of Worldly and Hereafter Life in the Language of the Qur'an. *Qur'anic-Literary Researches*. Year 4, n0 3, Fall 1395 HS.
16. Qa'emi-nia AR. *Cognitive Semantics of the Qur'an*. Tehran: Research Center of Islamic Thought and Culture; 1390 HS.
17. Rāghib Isfahāni HBM. *Al-Mufradīt fī Gharīb Al-Qur'an*. Researched by: Ş afwān 'Adnān Dāwūdī. Beirut: Dar al-Qalam; 1412 AH.
18. Rāghib Isfahāni HBM. *Translation and Research of Al-Mufradīt fī Gharīb Al-Qur'an*. By: Gholamreza Khosrawi. Tehran: Mortazavi; 1374 HS, 2nd ed.
19. Rasekh-Mahand M. *An Introduction to Cognitive Linguistics*. Tehran: Samt; 1393 HS.
20. Razavi MR. Introduction and Critique of the Book *An Introduction to Cognitive Linguistics; Theories and Concepts*. Special issue of *Farhangestan*. No. 7, 1390; 294-320.
21. Safavi K. A Discussion on Image Schemas from the Point View of Cognitive Semantics. *Nam-e Farhangestan*; 1384 HS. 65-68.
22. Safavi K. *Descriptive Lexicon of Semantics*. Tehran: Farhang-e Moaser; 1384 HS.
23. Soltani R. *A Cognitive Approach to Multiple Meanings in the Action Verbs of Persian Language*. MA Thesis; University of Isfahan. Foreign Languages, Department of Linguistics; 1382 HS.
24. Ṭ abarsī FBH. *Majma' Al-Bayān fī Tafsīr Al-Qur'an*. Researched by: Mohammad Javad Balāghī. Tehran: Naser Khosrow; 3rd ed.

25. Ṭabarsī FBH. Translation of Majma' Al-Bayān fī Tafsīr Al-Qur' an. Researched by: Mohammad Javad Balāghī. Tehran: Farahani; 1360 HS.
26. Ṭabāṭ abāyī MH. Al-Mīzān fī Tafsīr Al-Qur'an. Qom: Islamic Publications of Teachers Community of Qom Seminary. 1417 AH, 5nd ed.
27. Ṭabāṭ abāyī MH. Al-Mīzān fī Tafsīr Al-Qur'an. Tran: S.M.B. Hamedani. Qom: Islamic Publications of Teachers Community of Qom Seminary. 1374 HS HS, 5th ed.
28. Talmy L. Force Dynamics in Language and Cognition. Cognitive Science; 1988, 12, 49-100.
29. Tyler JR. Expansion of the Category of Metaphor and Allusion. Tran: Maryam Saberi Nouri-fam. In the book Metaphor, Criterion for Thought and Beauty Makeup Tools. Tran: a group of translators supervised by Farhad Sasani. Tehran: Mehr; 1383 HS.

Investigation of the Image Schemas of “Torment” in the Holy Qur’an from Cognitive Linguistics Perspective

*Mehdi Abedi Jazini*¹

*Nafiseh Rabbani*²

*Zohreh Rabbani*³

Received: 2018/5/28

Accepted: 2018/9/29

Abstract

Cognitive linguistics is a branch of Linguistics, considering language as a tool for the order, organization, processing, and transmission of information and examines the connection between man’s language, his mind, and his physical and social experiences. “Image schemas”, which are the result of movements of the human body, perceptual interactions, and how to deal with perception, is one of the ways in which "cognitive semantics" has been used to understand abstract concepts. Since the holy Qur’an is a blessed book and it is a bounty in the vastness of all times, which it, in addition to its own age, is the guidance and training book of all humans in all ages, so the text of the holy Quran deserves being the main axis in order to discover its truths and to understand the concept and speaker's purpose at any time, and then its combinations are carefully analyzed and investigated.

The present paper strives to explore and chart a variety of image schemas of the abstract word “torment” (*‘adhāb*) through a linguistic approach and using the descriptive-analytical method, herewith identifying this concept that is one of the most important concepts related to the great incident of the Day of Resurrection and finding out it makes people stick in the main path of creation. It reveals the beauty of the sentences and concepts of events of the Day of Resurrection and shows how far these schemas are involved in expressing and explaining the concept of torment in the holy Qur’an. The results show that God expands the abstract meaning of “torment” by means of various schemas, such as Containment schema, distance and proximity, linear (moving time and moving Ego), force (forbidding and compulsory), and back and forth, and through physical interaction with external phenomenon. Hereby the reader can understand this complex concept by using the association of vocabulary in language-spoken coordinate more clearly.

Keyword: *The Holy Qur’an, Cognitive Linguistics, Image Schemas, Abstract Concepts, Torment.*

¹. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Isfahan University, Iran. (The corresponding author). mehdiabedi1359@yahoo.com

². MA student of Arabic language and literature, Isfahan University, Iran.

n.rabbani91@gmail.com

³. MA-Graduate of Theology, Isfahan University, Iran.

z.rabbani90@gmail.com